بازتاب

توضیح روابط عمومی مجلس درباره گزارش «شرق»

● پس از انتشار گفت‌وگوی «شرق» با حسن کامران، نماینده اصفهان در مجلس، درباره پروژه احداث دیوار به دور مجلس، روابط‌عمومی مجلس شورای اسلامی روز گذشته با ارسال نمابری به دفتر روزنامه، سخنان کامران در این گفت‌وگو را تکذیب کرد. متن جوابیه روابط‌عمومی مجلس به شرح زیر است:

جناب آقای مهدی رحمانیان
مدیرمسئول محترم روزنامه شرق
با سلام

نظر به انتشار مطلبی با عنوان «۱۱ میلیارد تومان هزینه دیوارکشی دور مجلس» که در آن ضمن انجام مصاحبه با آقای حسن کامران، نماینده مردم اصفهان، به موضوع احداث دیوارکشی اطراف مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است و این مطلب در سایر رسانه‌ها نیز باز انتشار یافته، ضمن تکذیب موارد مطرح‌شده، به جهت تنویر افکار عمومی و آگاهی ملت شریف ایران مواردی را به اطلاع می‌رساند:

۱- مبلغ انتشاریافته درخصوص احداث دیوار اطراف مجلس چندین برابر مبلغ واقعی عنوان شده که باید گفت هزینه واقعی بسیار کمتر می‌باشد و مشخص نیست این فرد این اطلاعات غلط را از کجا آورده و با چه هدفی منتشر کرده است.

۲- با توجه به اینکه مجری انجام پروژه اداره‌کل مهندسی و پشتیبانی مجلس شورای اسلامی بوده است، لذا به طور طبیعی اصل برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکار مطرح نبوده تا ادعای ترک مناقصه در آن صورت گرفته باشد.

۳- با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی یکی از مراکز حساس و پراهمیت کشور بوده و حفاظت آن نیز می‌بایست با لحاظ کردن ضرایب ایمنی و امنیتی بالا باشد، لذا ضرورت داشت با حفظ و رعایت اصول معماری شهری و فرهنگی، نسبت به بهسازی آن اقدام لازم صورت می‌پذیرفت.

۴- ادعاها و مطالب بیان‌شده به دلیل بی‌اطلاعی و نداشتن آگاهی لازم بوده است و از رسانه‌ها انتظار می‌رود این‌گونه موارد را بدون تحقیق و به صرف ادعاهای واهی منتشر ننمایند.

اداره‌کل فرهنگی و روابط‌عمومی مجلس شورای اسلامی

ادامه از صفحه ۴

ازدحام «مهر» و حمل‌ونقل عمومی

دولت یازدهم، دولت راست‌گویان است و می‌دانیم امسال با حدود یک‌پنجم درآمد سال ۹۱، کشور اداره شده و دستاوردهای اقتصادی نیزحاصل شده است. مدیریت شهری با درکی درست از تنگناهای جدی مالی دولت، قصد فشار واردکردن برای دریافت بودجه ندارد؛ اما انتظار داریم دولت با دستور به بانک‌های عامل داخلی برای فاینانس داخلی و همچنین فراهم‌کردن زمینه برای استفاده از اعتبارات نزد کشورهای دیگر برای فاینانس خارجی، به مدیریت شهری برای خرید واگن، اتوبوس و تاکسی در سراسر کشور، به‌ویژه تهران یاری رساند. درحال‌حاضر، بخش خصوصی نیز در خطوط اتوبوس‌رانی و تاکسی‌رانی فعال است و آمادگی گسترش این خدمات را دارد، مشروط بر اینکه تسهیلات مناسب با سود قابل قبول در اختیار آن قرار گیرد و قیمت بلیت اتوبوس و کرایه تاکسی هم برای بخش خصوصی به‌صرفه باشد. در روزهای آتی، چهار ایستگاه هم در نیمه شمالی خط ۳ متروی تهران افتتاح شده است و طبق قول مسئولان مترو، ماهانه یک ایستگاه در این خط افتتاح خواهد شد. ساخت و تکمیل یک کیلومتر از خطوط در برخی مناطق تهران تا ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد؛ اگرچه مدیرعامل مترو از اتمام کار مترو تهران در سال ۹۵ و راه‌اندازی کامل خطوط شش و هفت خبر داده است؛ اما نگارنده معتقد است؛ حتی اگر تا سال ۹۷ نیز این اتفاق رخ دهد، باید به مجریان آن آفرین گفت. نباید با ایجاد انتظارات غیرواقعی و محقق‌نشدن آن، مردم را منتظر نگه داشت. اگر زنجیره حمل‌ونقل عمومی در سطح کشور تکمیل شود، آن‌گاه می‌توان از مردم درخواست کرد به‌جای استفاده از خودرو شخصی، خودروهای عمومی را برگزینند. درحال‌حاضر، در ساعت‌های اوج تردد، حتی در برخی شریان‌های اصلی تهران می‌توان انبوه جمعیت را دید که در انتظار اتوبوس و تاکسی هستند و ایستگاه‌های مترو هم همین وضعیت را دارند. امیدواریم با گشایش اقتصادی پس از لغو تحریم‌ها و البته استفاده بهینه از منابع مالی و مهندسی داخلی، شرایط این حوزه نیز بهبود یابد.

هادی غفاری:

برای قذافی کف می‌زدیم، اسکاد می‌گرفتیم

مرجان توحیدی

عکس: مهدی حسنی

بخش اول مصاحبه با هادی غفاری روز شنبه منتشر شد. او در این بخش به سؤالاتی در زندگی‌اش در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ اشاره کرد. ادامه گفت‌وگو با هادی غفاری را درباره علل به‌حاشیه‌رفتنش بعد از سال ۷۶ پی گرفتم. او معتقد است که به حاشیه رانده شده و این عزلت ناخواسته بوده است. از طرف دیگر او برای اولین‌بار در این بخش از گفت‌وگو از اینکه در خریدهای تسلیحاتی زمان جنگ حضور داشته سخن می‌گوید، از سفرش به کره‌شمالی، لیبی و سوریه با دستور رئیس‌جمهوری وقت. او می‌گوید برای قذافی شعار می‌دادیم و او سلاح می‌داد. بخش پایانی این گفت‌وگو در پی می‌آید:

بعد از ۷۶ یک‌سری چهره‌های نو مطرح می‌شوند و یک‌سری چهره‌های چپ خط‌امامی که در اوایل انقلاب در پست‌های مهم بودند، به حاشیه می‌روند. سؤالم این است که خودتان این وضعیت را انتخاب کردید یا علت دیگری داشت؟

به حاشیه رانده شدم.

چرا؟

من چاپلوسی بلد نیستم. به هیچ قیمتی.

فکر نمی‌کنید شاید نحوه رفتار شما در اوایل انقلاب باعث شد خط‌امامی‌ها که با تابلو اصلاح‌طلبی به میدان آمده بودند بخواهند چهره‌های جدیدی را وارد کنند؟

اصلا مسئله تندروی نبود. آن اقایان خیلی از ما تندروتر بودند. من فکر می‌کنم به‌خاطر موضع‌گیری سیاسی من در حمایت از امام و ایستادگی در برابر بعضی از رفتارهای استبدادگرایانه بود. یقینا اگر من مقداری نرمش و چاپلوسی می‌کردم این‌طور نبود. یک مسئله دیگر هم این است که من خیلی چیزها را نمی‌توانم بگویم.

بسیارخب. گفته می‌شود در زمان جنگ به غیر از محسن رفیقدوست که مسئول تدارکات و خرید بود، شما هم بودید. سفرهایتان با هم بود؟

یکی، دو مورد با هم بود.

مرکز خرید شما کجا بود؟

من بیشتر از خرید، برای مذاکره می‌رفتم.

از طرف آقای هاشمی‌رفسنجانی حکم داشتید؟

بله من حکم داشتم. خریدها را من نه به‌عنوان اینکه بروم چیزی بخرم، بلکه چون دلم برای جبهه می‌سوخت می‌رفتم و با آقای هاشمی صحبت می‌کردم. من یک سفری به کره‌شمالی داشتم. عده‌ای نماینده را نیز همراه خود بردم. من به نمایندگان گفتم که با کیم ایل سونگ حرف خصوصی دارم و شما در آخر وقت از جلسه خارج شوید اما به‌خاطر اینکه از جایی اتهامی به من وارد نباشد، سفیر وقت ایران در کره‌شمالی را در اتاق همراه خود داشتم تا به ساخت‌وپاخت متهم نشوم.

چرا؟

بالاخره من رقبایی دارم که راستش را بخواهید اینها خیلی دروغ را حرام نمی‌دانند. نزدیک سال ۹۰ میلادی بود که هم شوروی، هم چین صدور نفت به کره را قطع کرده بودند. من فهمیدم که کره‌شمالی به‌شدت به نفت احتیاج دارد. بنابراین کره به درد ما می‌خورد. با سفیر هماهنگ کردم که قصد رفتن به کره را دارم. بسیار استقبال کرد و حتی تا مهرآباد هم آمد. من به رئیس‌جمهور گفتم می‌روم اسکاد دی و سی بیاورم. ایشان گفت نرو، نمی‌دهند. گفتم من می‌روم، باید بیاورم و اگر نیاورم مرد نیستم! ایشان عین جمله‌اش این بود که ما مردانگی شما را قبول داریم. شما بروید، می‌آورید، اما نروید. گفتم من می‌روم، اگر نیاوردم بگو غفاری «سرخود» رفت. اما اگر سلاح دادند، بگو حکومت گرفته است. ایشان هم دعا کرد و من را بوسید و گفت ان‌شاءالله با دست پر برگردی. رفتم با آقای کیم ایل سونگ نشستم.

من قبل از آن هماهنگ کرده بودم که اگر قراردادی را امضا کردم، آیا امضای من آنجا معتبر است؟ گفتم اگر نصف کشور را فروختم چه؟ خندید و گفت شما کشورفروش نیستید. گفتم من اگر آنجا قرارداد موشکی، غیرموشکی یا نفتی بستم قبول است؟ به من اطمینان دادند و گفتند این حرف‌ها چیست؟ شما فرزند این انقلاب هستید، هر کاری خواستید انجام دهید. به آقازاده - وزیر نفت وقت - هم زنگ زدند و گفتند آقای غفاری هر چه گفتند عمل کنید. به کره رفتم و صحبت‌های مقدماتی تمام شد. نماینده‌ها از اتاق خارج شدند. من ماندم و سفیر و کیم ایل سونگ. کیم ایل سونگ، انگلیسی بلد نبود. برای همین یک مترجم هم آنجا حضور داشت که دبیرکل دوم حزب بود و فارسی را خوب می‌فهمید. از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده بود. هم انگلیسی و هم فارسی را به‌خوبی می‌دانست. گفتم شنیدم که مشکل نفت دارید. گفت بله petrol, petrol گفتم من به شما نفت می‌دهم. گفت چطور؟ گفتم معامله می‌کنیم. اسکاد بی، سی و ای می‌دهید، هرچقدر نفت بخواهید به شما می‌دهیم، به شرطی که به ما موشک بدهید. گفت اسکاد بی می‌دهیم، اما سی و ای تکنولوژی‌اش را می‌دهیم. نیروهای شما بیایند اینجا سه‌ماه بمانند. ما به آنها آموزش می‌دهیم. بعد دستانش را به هم کوبید و وزیر دفاع که بیرون بود، داخل اتاق آمد. گفت چه شده؟ کیم ایل سونگ گفت به ما نفت می‌دهند. وزیر دفاع از خوشحالی می‌پرید و گفت هرچه بخواهید می‌دهیم، فقط به ما نفت بدهید. من از اتاق کیم ایل سونگ با خط خود اتاق، به آبادان زنگ زدم و گفتم که فلانی هستم و چه و چه که آن‌ور تأیید کرد و در پایان قرار شد که یک کشتی نفت را به سمت کره بفرستند. کشتی نفت هم‌زمان با حرف‌زدن من پر و راهی کره شد. من اسکادها را سوار هواپیما کردم. با تهران تماس گرفتم و چند نفر از مهندسان رده‌بالای سپاه، ۳۰ نفر به کره آمدند. من حتی در فرودگاه آنان را دیدم.

دقیقا چه سالی بود؟

سال ۶۵ یا ۶۶ بود.

در مذاکرات دیگر نیز حضور یافتید؟

لیبی رفتم. با رفیق‌دوست رفتم. از خود قذافی سلاح گرفتیم. یک جلسه‌ای بود که رفیق‌دوست کف می‌زد و قذافی می‌رقصید؛ نه اینکه برقصد. شعارگونه بود. شعارش هم یادم است. «دیمه دیمه یا ابن الخیمه...» یعنی جاوید باد فرزند خیمه. شما همیشه رهبر خواهی بود.

شماها می‌گفتید؟!

بله و آقای قذافی خوشحال می‌شد. همان‌جا دستور داد صد تا «اسکاد بی» آوردند. یک جامبوجت دوطبقه بدون صندلی را تا خرخره پر کردیم از موشک.

به غیر از اینها چه؟

سوریه.

چه سالی؟

قبل از پایان جنگ است. سوریه دو بار رفتم. یک‌بار کاملا سری رفتم.

چه آوردید؟

اسکاد، موشک ۱۲ متری با کلی امکانات و آرپی‌جی. آن زمان من نماینده مجلس بودم و در کمیته خرید اقلام عمده دفاع مقدس حضور داشتم. یعنی نماینده ناظر مجلس در خرید اقلام مهم جنگ بودم. چون آدم ترسویی هم هستم همیشه همراه خودم چند تا مترجم، سفیر و همراه می‌برم، هیچ ملاقاتی هم بدون سفیر انجام ندادم.

با سوریه چه معامله‌ای کردید؟

فقط اسلحه و نفت در ازای آن می‌دادیم. سوریه خیلی به ما بدهکار بود.

یعنی در ازای تسلیحات چیزی به سوریه نمی‌دادید؟

گاهی نفت، گاهی پول و گاهی هم خدمات می‌دادیم. آنها هنوز به ما بدهکار بودند.

ولی بدهی صاف نشد؟

ما با سوریه در حال دعوا نبودیم. سوریه در خط مقدم جبهه علیه اسرائیل بود.

لیبی چطور؟ یک‌جا آقای رفیق‌دوست گفتند که لیبی مقدار زیادی سلاح به ایران هبه کرد.

بله، چندین نوبت اسکاد آوردیم. یک هیأت را بهانه کردیم که برای هیأت می‌رویم و بعد در جلسه خصوصی با سفیر - که گاهی آقای رفیق‌دوست هم بود - به آقای قذافی گفتیم که اسکاد بده. آنجا هم که می‌دانید نظر شخص مهم است و قذافی بود که تصمیم می‌گرفت.

قذافی مطالبه‌ای از شما نداشت؟

یا باید پولش را می‌دادیم یا خدمات دیگر که او بیشتر مجانی به ما سلاح می‌داد.

چه کشورهای دیگری بودند که از آن ها سلاح بخرید؟

سلاح نه، اما امکانات خریدیم. از انگلستان دوربین‌های «دید در شب» خریدیم. در آن زمان به فرماندهان سپاه و عملیاتی دادیم. امکانات لازم جبهه را وارد کشور کردیم. گاهی اوقات خیلی از مسلمانان کویتی به ما پول می‌دادند. با ما در عمره قرار می‌گذاشتند و میلیون‌دلاری به ما کمک می‌کردند. کسی بود به نام سلمان حبیب که درنهایت هم اعدام شد. او را یک‌بار در عمره هم دیدیم. چک شش‌میلیون‌دلاری به ما داد. پلیس آنجا از این اتفاق خبر پیدا کرده بود و من را تعقیب کرد. من را بازرسی کرد و همه ماشین را تکه‌تکه کرد و دنبال چک می‌گشت اما من چک را قبل از رسیدن پلیس قورت دادم. سلمان حبیب را دوباره دیدم و ماجرا را برایش گفتم. گفت یک چک دیگر برایت می‌نویسم.

یعنی تحت نظر بودید؟ می‌دانستند قرار است بروید کسی را ببینید؟

نه، تحت نظر نبودم.

گفته می‌شود چون ما آن زمان تحریم بودیم سلاح‌ها از بازار سیاه تهیه می‌شد. یعنی به‌نوعی با چشم‌پوشی آمریکا با واسطه این سلاح‌ها در اختیارمان قرار می‌گرفت. بعد از ماجرای مک فارلین و فاش‌شدن خیلی از مسائل که عملا بازار سیاه و با واسطه خریدن سلاح هم قطع شد، به‌نوعی به توقف روند جنگ در ایران منجر می‌شود. شایع‌ترین موردش هم کربلای ۴ است؛ که ما سلاح نداشتیم شما این را قبول دارید که لورفتن مک فارلین در روند جنگ تأثیرگذار بود؟

من خودم در درون جنگ بودم، اینهایی که گفتید ساخته و پرداخته ذهن شماست. ربطی به واقعیت ندارد. به‌خاطر این بود که قدرت دفاعی ما کاهش پیدا کرده بود.

یعنی در بحث تهیه سلاح با مشکل مواجه نبودیم؟

نه به‌خاطر مک فارلین، بلکه ما پول نداشتیم. هر بشکه نفت چهار یا پنج دلار بود. کشور هزینه میلیاردی گزاف داشت. در بانک مرکزی و خزانه پولی نداشتیم. نیروهایمان از کار افتاده بودند. در آن گزارش آقای رفسنجانی گفته بودند اگر می‌خواستیم پیروز شویم باید ۳۰ سال می‌جنگیدیم.

یعنی به نظر شما مشکل مالی مانع تهیه سلاح برای ایران بود؟ اگر پول بود ماجرای مک فارلین تأثیر نداشت؟

ربط‌دادن مک فارلین به پایان جنگ یک مسئله ذهنی بیخودی است. هیچ ربطی ندارد.

از چه کشورهایی سلاح گرفتید؟

از چین، روسیه، لیبی، کره شمالی

بعد از ماجرای مک فارلین خللی در بازار سیاه برای خرید تسلیحات اتفاق نیفتاد؟

ربطی به هم ندارند. امام خیلی زیرکانه و با دقت نمی‌گذاشت مسائل به بیرون درز پیدا کند.

چرا دوباره سراغ لیبی و سوریه نرفتید؟

رفتیم، دیگر سلاح نمی‌دادند.

چرا؟

نداشتند. خود لیبی هم مشکل داشت. همچنین سلاح‌هایی که عراق آورده بود، قابل قیاس با ما نبود. ۵۰ برابر ما سلاح داشت.

تغییر روند جنگ که منجر به پذیرش قطع‌نامه شد به خاطر مشکلات اقتصادی بود؟

بله، امکانات ما با امکانات عراق قابل قیاس نبود. ما فشنگ‌هایمان را شمرده‌شمرده می‌فرستادیم و عراق میلیونی شلیک می‌کرد. همه دنیا به عراق پول می‌داد. عربستان و کویت میلیاردی به عراق کمک کردند.

ما از جایی کمک نداشتیم؟

خیر، چه کسی می‌خواست به ما پول بدهد.

به‌غیر از بحث حضور در خریدهای تسلیحاتی در عملیات خاصی حضور داشتید؟

بله در کربلای ۴، در آزادسازی خرمشهر، در شب عملیات در شناسایی‌ها بودم.

در کربلای ۴ چه اتفاقی افتاد؟

طولانی است. نمی‌خواهم وارد مسائل جنگ شوم اما لو رفت.

چه سمتی در جبهه داشتید؟

مسئول رسیدگی به امور مجروحین و جانبازان بودم. در زمان جنگ جانشین فرمانده کل قوا آقای رفسنجانی بود. ایشان چندتا معاونت در زمان جنگ ایجاد کردند که عبارت بود از معاونت تبلیغات، نیروی انسانی و معاونت جانبازان که با من بود. مسئول انتقال مجروحین و مداوای آنها بودم. آقای هاشمی به من حکم دادند و من مسئول مجروحین بودم.

چه عاملی باعث شد، کربلای ۴ لو برود. کسی خبر نداشت که عملیات لو رفته؟

بالاخره نفوذی‌ها.

منهای پایتخت

درخواست تغییر ۵ فرماندار فارس

● **ایلنا:** استاندار فارس از پیگیری برای تغییر پنج فرماندار ناهماهنگ با مشی اعتدالی دولت در استان خبر داد. سیدمحمدعلی افشانی گفت: برای اولین‌بار در اینجا اعلام می‌کنم؛ درحال‌حاضر درخواست تغییر پنج فرماندار را داده‌ام. افشانی گفت: باید قدری تحمل داشته باشید، اینکه اگر این مدیر امروز عوض نشد، همه ساختارها به‌هم می‌ریزد درست نیست. او ادامه داد: ما چند انتخابات برگزار کرده‌ایم، در انتخابات سال ۹۲ یا انتخابات سال ۷۶ که فضا قطعا از سال ۹۲ بدتر بود، آیا کسی تصور نتیجه‌ای که حاصل شد را می‌کرد؟ اگر باورمان شد که رأی مردم حق‌الناس است و باید از آن صیانت شود، از آن صیانت خواهد شد؛ اما اگر پذیرفتیم که نمی‌شود، حتما قدم برنمی‌داریم که بشود. افشانی با بیان اینکه برای تغییر، یک مدیر خود باید به یقین برسد و فریاد و فشار بر تصمیم وی تأثیرگذار نیست، تأکید کرد: اگر همه شما پشت تریبون فریاد بزنید من تصمیمی نمی‌گیرم، همان‌گونه که اگر مخالفان شما بیایند و فریاد بزنند و تعریف و تمجید کنند توجهی نمی‌کنم.

افزایش گستره پدافند هوایی کشور به ۳ هزار و ۷۰۰ نقطه

● **تسنیم-کاشان:** امیر سرتیپ فرزاد اسماعیلی، فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص)، از افزایش گستره پدافند هوایی کشور به سه‌هزارو ۷۰۰ نقطه خبر داد و گفت: براساس اعلام نظر سازمان هواپیمایی ایکائو در کانادا، ایران امن‌ترین آسمان خاورمیانه را دارد. او که در یادواره شهدای پدافند هوایی ارتش و ۱۱۰ شهید محدوده پایگاه مقاومت بسیج شهید آیت‌الله سعیدی در مدرسه آسیه کاشان، سخن می‌گفت، افزود: دفاع مقدس ایران، دفاع قرآن‌محور، جانانه و دفاع تمام اسلام در برابر تمام کفر بود. او ادامه داد: حضور ملت ایران در همه عرصه‌ها همواره هراس استکبار جهانی را فراهم کرده است. آنچه در مذاکرات دنبال شد و آنها در حاشیه گفتند، این بود که «مرگ بر آمریکا» را نگویید چراکه از حضور همیشگی و درصحنه‌بودن این ملت هراس دارند. او با تشریح علل تشکیل قرارگاه پدافند هوایی به دستور مقام معظم رهبری در سال ۸۷ افزود: در شروع جنگ تحمیلی، حدود ۶۰۰ نقطه، در طول جنگ تحمیلی ۴۰۰ نقطه و امروز سه‌هزارو ۷۰۰ نقطه گسترش در قرارگاه پدافند هوایی ارتش وجود دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۱۹۰۴۶۸
۸۸۱۹۳۹۷۹